

تحلیلی تطبیقی بر نیایش در شاهنامه‌ی فردوسی و شاهنامه‌ی کردی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۴

مصطفی رادمرد^۱

دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان

میرجلال‌الدین کزازی^۲

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

کورتیه

چکیده

له‌به‌رته‌وه‌ی دوعا و نزا و پارانه‌وه دتوانی به‌کیک له مژاره ناسه‌ره‌کییه‌کانی هه‌رچیروکیک بی، ده‌رکه‌وتنی له‌چیروکه‌ه‌ماسییه‌کاندا له‌روانگی چه‌شنه‌ئه‌ده‌بییه‌کانه‌وه دتوانی تیکه‌لیک له‌ه‌ماسی و غنایی بی. ئە‌لماسخانی که‌ندووله‌یی له‌هونینی شانامه‌ی کوردیدا، له‌گێرانه‌وه زاره‌کییه‌کان و فره‌ه‌نگی ناوچه‌یی که‌لکی وه‌رگرتووه. به‌شیک له‌چه‌مکه‌ غناییه‌کانی هاوسه‌نگ له‌گه‌ل رۆحیه‌ی تاکه‌که‌سی و باروودۆخی فره‌ه‌نگی خه‌لکی ناوچه‌که‌ی خۆی هونیه‌ته‌وه. له‌م په‌یدۆزییه‌ که‌ به‌ره‌وستی وه‌سفی‌شیکارانه‌ کراوه، چۆنیه‌تی وتنی پارانه‌وه‌کان له‌زمانی پالنه‌وه‌ه‌ماسییه‌کان و هه‌روه‌هاباس‌لی کردنی به‌شیوه‌ی به‌راورد‌کاری له‌پنج‌چیروکی هاوبه‌شی شانامه‌ی فیرده‌وسی و شانامه‌ی کوردیی ئە‌لماسخانی که‌ندووله‌یی (بیژن و منه‌نیه‌، روسته‌م و سوهراب، روسته‌م و ئسفه‌ندیار، سیاوه‌ش، شه‌غاد) به‌ئامانجی دیاری کردنی فره‌ه‌اتی پارانه‌وه‌کان و به‌رچاوختنی جیاوازییه‌ فره‌ه‌نگیه‌کان له‌نیوان ئە‌واندا، تاوتوێ‌کراوه. له‌گرینگترین ده‌سکه‌وته‌کانی ئە‌م توێژینه‌وه‌یه‌ ئه‌وه‌یه که‌باس‌لی کردنی وینه‌کانی پارانه‌وه‌ له‌شانامه‌ی فیرده‌وسی دا پوخته‌تر له‌شانامه‌ی کوردیه‌ی و زمانی ده‌رپینی ئە‌لماسخانی که‌ندووله‌یی له‌باسی ئە‌و پارانه‌وه‌دا که‌ به‌چه‌شنی تاراوگه‌(نور و نزان)، تالتر و گه‌زۆکتر له‌زمانی فیرده‌وسین.

وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: پارانه‌وه، شانامه‌ی کوردی، شانامه‌ی فیرده‌وسی، ئە‌لماسخانی که‌ندووله‌یی.

از آنجا که نیایش و دعا می‌تواند یکی از موضوعات فرعی هر داستانی باشد، تجلی آن در داستان‌های حماسی از دیدگاه انواع ادبی می‌تواند آمیزه‌ای از نوع حماسی و غنایی باشد. الماس‌خان کندوله‌ای در سرایش شاهنامه‌ی کردی، متأثر از روایات شفاهی و فرهنگ بومی، پاره‌ای از مفاهیم غنایی را متناسب با روحیات شخصی و شرایط فرهنگی مردم منطقه‌ی خود سروده است. در این جستار که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، چگونگی بیان نیایش‌ها از زبان پهلوانان حماسی و نیز بیان آن به صورت تطبیقی در پنج داستان مشترک شاهنامه‌ی فردوسی و شاهنامه‌ی کردی الماس‌خان کندوله‌ای (بیژن و منه‌نیه، رستم و سهراب، رستم‌واسفندیار، سیاوش، شه‌غاد) با هدف مشخص کردن بسامد نیایش‌ها و برجسته کردن تمایزات فرهنگی در بیان آن‌ها، مورد بررسی قرار گرفته است. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش این است که بیان نمونه‌های نیایش در شاهنامه‌ی فردوسی، موجزتر از شاهنامه‌ی کردی است و زبان بیان الماس‌خان کندوله‌ای در بیان نیایش‌های نوع منفی آن (نفرین) تلخ‌تر و گزنده‌تر از زبان فردوسی است.

کلیدواژه‌ها: نیایش، شاهنامه‌ی کردی، شاهنامه‌ی فردوسی، الماس‌خان کندوله‌ای.

۱- مقدمه

نیایش به عنوانی موضوعی فرعی و غنایی متأثر از اعتقادات ملی و مذهبی هر قومی، می‌تواند در روند روایی قصه‌ها و داستان‌ها تأثیرگذار باشد. گاهی این موضوع فرعی در کنار موضوع اصلی، در قصه، نقشی برجسته می‌یابد که حتی می‌تواند روند داستان را به گونه‌ای دیگر متحول سازد. شاهنامه، سرگذشت قوم ایرانی است در طول قرن‌ها، زبان گویای فرهنگ و تمدنی باستانی و بیانگر آرمان‌ها و اندیشه‌های ایرانیان و نمایانگر روحیه و افکار و اندیشه‌های مردمی است که تمدنی هزاران ساله را پی‌افکنده‌اند؛ به عبارتی آینه تمام‌نمای حقایق آرمانی این ملت است، به گونه‌ای که در باور هر ایرانی از هر قوم و نژادی تأثیری انکارناپذیر داشته است.

جنبه‌های غنایی شاهنامه به‌ویژه نیایش (دعا و نفرین) که یکی از موضوعات غنایی است، در روند سرایش شاهنامه و خوان رنگارنگ آن بی‌تأثیر نبوده است. اما سخنان کندوله‌ای به عنوان سراینده‌ی احتمالی شاهنامه‌ی گردی در بازگردانی احتمالی و یا سرایش با منشاء روایی به بسیاری از زیرساخت‌های داستان‌ها توجه داشته و پاره‌ای را نیز متفاوت از کلام فردوسی به نظم کشیده است. در این پژوهش برآنیم تا با مطالعه تطبیقی داستان‌های مشترک دو شاهنامه (بیژن و منیژه، رستم و سهراب، سیاوش، رستم و اسفندیار، شغاد) به بررسی این موضوع غنایی یعنی «نیایش» پردازیم. امید است یافته‌های این پژوهش بتواند انگیزه‌ای برای پژوهش‌های دیگر باشد.

۱-۱- بیان مسأله و پرسش‌های پژوهش

داستان‌های حماسی معمولاً با ویژگی‌های خاص حماسه، همچون «خرق عادت»، «وجود انسان‌های آرمانی و برتر» و «داستانی بودن» و در موضوعات غنایی نیز با مفاهیمی همچون «رجز»، «فخر»، «نکوهش و هجو» شناخته می‌شوند و کمتر به موضوع «نیایش» در سیر روایی داستان‌های شاهنامه به صورت تطبیقی پرداخته شده است. قهرمانان شاهنامه اشخاصی هستند با عواطف و احساسات انسانی که در تنگناهای انکارناپذیر هر موضوع حماسی، گاه به نیروهای فراطبیعی متوسل می‌شوند که اگر با جنبه اعتقادی و دینی به آن بنگریم، می‌توانیم عنوان «نیایش» را برای آن برگزینیم. این موضوع غنایی که در اصل به عنوان آخرین پناهگاه و دست‌آویز هر قهرمانی در داستان‌ها خصوصاً شاهنامه اهمیت انکارناپذیر دارد، خمیرمایه‌ای باورمند و ذاتی را در

خود نهفته دارد که مشخص کردن ابعاد این نهفتگی با چندی و چونی های آن می تواند در نوع تطبیقی آن حائز اهمیت باشد؛ لذا توجه به ویژگی های نیایش، انگیزه ها، کیفیت و زبان بیان آن ها، خصوصاً در شاهنامه کردی می تواند آشکارکننده بسیاری از حقایق و واقعیت های زندگی و نیز شرایط و روحيات شخصی الماسخان (سراینده شاهنامه کردی) با شد. در این پژوهش تلاش داریم با هدف شنا سایی و پی بردن به بسامد آماری این موضوع در دو شاهنامه به تبیین مهم ترین اشتراکات و تمایزات زبانی و بیانی این موضوع پردازیم و برای رسیدن به هدف، شایسته است به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

الف: زبان بیان و کیفیت نیایش ها (دعا و نفرین) در دو شاهنامه تا چه حدی شبیه و متمایز است؟

ب: آیا زبان بیان نیایش ها (دعا و نفرین) در داستان های مشترک دو شاهنامه متأثر از شرایط شخصیتی و محیطی سراینده شاهنامه کردی بوده است یا خیر؟

۱-۲- اهداف و ضرورت پژوهش

در این جستار تلاش داریم تا با تحلیل نمونه هایی با محتوای نیایش ها (دعا و نفرین) در داستان های مشترک دو شاهنامه (بیژن و منیژه، رستم و سهراب، رستم و اسفندیار، سیاوش، شغاد)، به بررسی میزان تأثیر سراینده شاهنامه کردی از شاهنامه فردوسی پردازیم و نیز مشخص نماییم که شرایط محیطی و روحی سراینده شاهنامه کردی در تغییر کمی و کیفی محتوای نیایش ها (دعا و نفرین)، تا چه حد تاثیر داشته است لذا دو فرضیه این پژوهش به اختصار ذیل بیان می گردد:

— بینش سیاسی و اجتماعی عصر الماسخان (با توجه به شرایط جسمی و روحی وی) در تغییر کیفی و زبان بیان محتوای نیایش ها (دعا و نفرین) تاثیر داشته است.

— با توجه به روحيات و شرایط اجتماعی کردنشینان، زبان بیان نیایش ها (دعا و نفرین) در شاهنامه کردی، می تواند تلخ تر و گزنده تر از شاهنامه فردوسی باشد.

۱-۳- روش تحقیق

در مقاله پیش رو از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است؛ بدین معنا که نمونه های نیایش ها در داستان های مشترک دو شاهنامه استخراج می شود و آن گاه مهم ترین نمونه های مشترک و متفاوت قابل بحث، مورد تحلیل قرار می گیرد. در پایان

نیز ضمن مقایسه نموداری نمونه‌ها (در قسمت نتیجه) و تحلیل داده‌ها، نتایج ارائه می‌گردد.

۲- پیشینه تحقیق

درباره موضوع نیایش و دعا در شاهنامه و آثار منظوم فارسی و غیر فارسی، پژوهش‌هایی انجام شده است که به چند مقاله ذیل اشاره می‌شود:

- «بررسی تطبیقی نیایش در آیین‌های ایرانی با نیایش در اسلام» از تقی امینی منفرد، مجله ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد، بهار و تابستان ۱۳۸۳ - شماره ۱ و ۲.

- «نیایش در اندیشه مولوی» از قربان علمی، مجله پژوهش‌نامه عرفان، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۱.

- «بحث تطبیقی پیرامون نیایش در هفت خوان رستم» از امیر اسماعیل آذر، مجله چیستا، دی و بهمن ۱۳۶۶، شماره ۴۵ و ۴۶.

- «بررسی تطبیقی و آماری نیایش‌های زرتشت در گاهان» از حسین حیدری و الهه خانیان، مجله شعرپژوهی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۲۷.

اما در خصوص تطبیق نیایش‌ها (دعا و نفرین) و موضوعات مشابه با این جستار، در شاهنامه فردوسی و آثار منظوم کردی تاکنون پژوهشی انجام نشده است. قبل از استخراج و تحلیل تطبیقی نمونه ابیات با محتوای نیایش‌ها (دعا و نفرین)، شایسته است، توضیحاتی هرچند اجمالی در باب نیایش ارائه گردد. نیایش‌نامه «نوشته‌های منظوم یا منثور است که در آن‌ها شاعر یا نویسنده با تضرع و زاری از خداوند یاری می‌جوید و برای رسیدن به نیک‌بختی به او متوسل می‌شود. به دیگر سخن، نیایش ارائه نیازهای انسان در نزد خداوند است» (جوان، ۱۳۸۱: ۱۳۶۹). «حکیم طوس برخی از ابیات حماسه‌اش را با دعا آمیخته است و آن نوع از دعاها که ارتباط با خداست و راز و نیاز با او بیشتر مورد توجه شاعر است. نیایش‌ها در شاهنامه اغلب در آغاز نامه‌ها هنگام جلوس پادشاهان بر تخت شاهی و نیز در زمان برخورد قهرمانان با مشکلات و سختی‌ها صورت می‌گیرد و غالب آنها یکنواخت و تکراری بوده و در آن‌ها خداوند به یگانگی، دانایی و توانایی توصیف شده است» (سرامی، ۱۳۷۵: ۲۸۱). «نیایش و دعا و راز و نیاز به درگاه الهی، از آنجا که دارای مایه‌های احساسی و عاطفی

است، از دیدگاه انواع ادبی جزو شعر غنایی محسوب می‌شود» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۷۵). از آنجایی که دعاهای با بار مثبت یا منفی (نفرین) نیز نوعی نیایش به قصد استمداد محسوب می‌شوند، لذا در بررسی نمونه‌های نیایش، این موارد جزو این موضوع غنایی به شمار آمده‌اند.

۳- خاستگاه حماسه و حماسه‌سرایی در ادب کردی

خاستگاه حماسه، اسطوره است؛ زبان حماسه مانند اسطوره رمزآلود و نمادین است. «حماسه زاده اسطوره است. اسطوره به مامی پرورنده می‌ماند که حماسه را می‌زاید و آن را در دامان خود می‌پروراند و می‌بالاند. حماسه راستین و بنیادین جز از دل اسطوره بر نمی‌تواند آمد. از این روی، حماسه تنها در فرهنگ و ادب مردمانی پدید می‌آید که دارای تاریخی کهن و اسطوره‌ای دیرینه‌اند. حماسه‌هایی که از دل اسطوره برنشکافته‌اند و برنیامده‌اند، حماسه‌های راستین نیستند؛ و تنها در ریخت و پیکره برونی، به حماسه می‌مانند. از این روی، به ناچار، در دل اسطوره و چونان بازتاب و نمودی از آن می‌باید از حماسه سخن گفت؛ و آن را چونان یکی از سوی‌ها و روی‌های اسطوره، می‌باید کاوید و پژوهید. زیرا بدان سان که نوشته آمد، اسطوره به مامی می‌ماند که حماسه، کودک آن است؛ پس حماسه در سرشت و ساختار به یکبارگی با اسطوره یکسان است؛ و آنچه اسطوره را راست می‌آید و رواست، برازنده و بایسته حماسه نیز می‌تواند بود. همان روندها و کار و سازها که به آفرینش ارزش‌ها و بنیادها و نمادهای اسطوره‌ای می‌انجامند. در حماسه نیز کارا و کارسازند» (کزازی، ۱۳۷۲: ۱۸۳).

به نظر می‌رسد که سرایش رزمنا‌های کُردی که مجموعه‌ای از روایت‌های حماسی و پهلوانی است، خیلی قبل‌تر از فردوسی شروع شده است و بعد از فردوسی هم ادامه داشته است. اصالت شاهنامه‌های کُردی به اندازه دوری یا نزدیکی آن‌ها به سایر روایات حماسی بستگی دارد. شاهنامه‌های کُردی، روایت حماسی زاگرس‌نشینان غرب کشور است. «سرایندگان کُرد در سرایش منظومه‌های کُردی خصوصاً در گویش گورانی، داد سخن را داده‌اند؛ زیرا منظومه‌های موجود در این گویش به لحاظ ساختاری کمترین نقص را دارند و از نظر آرایش‌های کلامی نیز در اوج کمال و زیبایی‌اند» (بهرامی، ۱۳۸۹: ۱۷).

اغلب سروده‌های کردی به گویش کردی گورانی بوده و برای نمونه می‌توان هفت لشکر، رستم و سهراب، رستم و اسفندیار، ارچه و شیرویه، رستم و جهانگیر، هفت خان رستم، برزو و فرامرز، ببر بیان، رستم وزردهنگ، هفت رزم، نه رزم، کنیزک و یازده رزم، کاوه کرد، اسکندرنامه و... را یاد کرد که اغلب آن‌ها خطی و دست‌نویس می‌باشند و اکثراً نیز به چاپ نرسیده‌اند. تاریخ‌گذاری اکثر این منظومه‌ها مشکل و دشوار است؛ زیرا برخی از این منظومه‌ها را می‌توان به پیش از دوره افشاریان (۱۱۴۸-۱۲۱۸) منتسب دانست. پس از متون حماسی که اغلب از شاهنامه فردوسی اخذ و اقتباس یافته‌اند، متون غنایی و عشقی نیز براساس داستان‌های شاهنامه به کردی گورانی - هورامی منظوم شده‌اند، مانند: خورشید و خرامان، بهرام و گلندام که هنوز نیز به صورت نسخه خطی مانده‌اند. در این میان منظومه خسرو و شیرین اثر خانا پاشا قبادی در ادبیات کردی کم‌نظیر است و متأثر از خسرو و شیرین نظامی گنجوی است. از دیگر نمونه‌های منظوم ادب کردی می‌توان به شاهنامه کردی مصطفی گورانی که به اهتمام مرحوم ایرج بهرامی چاپ و منتشر شد و (جواهرپوش) است و منظومه‌ای است به گویش کردی گورانی در شرح جنگ‌های ایران و توران در دوران شهریار کیخسرو کیانی. البته برخی از پژوهشگران، زبان گورانی را زبانی مستقل به شمار آورده‌اند که با زبان کردی نسبتی ندارد (بلو، ۱۳۸۳: ۵۵۵/۲) محققان در این باره نوشته‌اند: «کندوله، خاستگاه متون حماسی است. بیشتر متون حماسی گورانی را به منطقه کندوله و شاعر سرشناس آن، میرزا الماسخان کندوله‌ای - معاصر نادرشاه افشار - منسوب می‌کنند و بیشتر این انتساب‌ها به سبب شهرت اوست و تنها اثری که به قطع و یقین می‌توان به وی نسبت داد، *جنگنامه نادر* یا *شاهنامه نادر* است» (اکبری مفاخر، ۱۳۹۳: ۱۴۶). نیز آمده‌است: «هورامی لهجه‌ای از گورانی است و همان‌طور که بعداً آشکار خواهد شد، احتمالاً قدیمی‌ترین و بهترین لهجه محافظت‌شده این گروه باشد» (Mackenzie, 1966: 4). لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که اطلاق عنوان «شاهنامه گورانی» به اثر منتسب به الماسخان کندوله‌ای جامع‌تر است.

از دیگر منظومه‌های عاشقانه مشهور کردی، داستان بیژن و منیژه است. برخی محققان از جمله ذبیح‌الله صفا بر این باورند که «داستان بیژن و منیژه یکی از کهن‌ترین داستان‌های منفرد فردوسی محسوب شده که به سبک رودکی و دقیقی توسی سروده شده است» (۱۳۶۹: ۱۷۷-۱۷۸). این منظومه در زبان کردی به گویش گورانی و توسط

شاعری ناشناخته سروده شده است و اصل داستان از شاهنامه فردوسی اقتباس شده است. «این منظومه برای نخستین بار توسط دکتر محمد مکرری (محقق کُرد) در سال ۱۹۶۶ میلادی در پاریس چاپ و منتشر شد. متن منظومه ۹۷۷ بیت است. این منظومه کردی بر اساس قرائن احتمالاً در اواخر ق ۱۲ و آغاز ق ۱۳ قمری سروده شده است» (گورانی، ۱۳۸۳: ۳۱).

منظومه دیگر کردی، شاهنامه الماسخان کندوله‌ای است. نویسنده این اثر، سرهنگ الماسخان کندوله‌ای از شهرت به‌سزایی برخوردار است.

الماسخان اهل کندوله از روستاهای کرمانشاه و در دوره حکومت نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰) می‌زیسته و یکی از افسران کاردان و امین و دلیر دستگاه والی اردلان بوده است ... آثار و تألیفاتی به زبان کردی هورامی تصنیف نموده است ... مردم منطقه بیلوار و کلیایی (کرمانشاه) در مورد سرنوشت الماسخان اضافه می‌کنند و می‌گویند: چون شاهنامه کردی سردار الماسخان به انجام رسید، نادر کسی را پی وی فرستاد با خلعت و دینار تا به دستگاه و دربار نادر برگردد، اما چون قاصد نادر به سر حدّات روستای کندوله می‌رسد مردم پیکر بی‌جان الماسخان را در تابوت چوبی بر دوش و در میان نوای دهل و سرنا و چمری مردان و زنان به گورستان می‌بردند. (شریفی، ۱۳۷۴: ۹۴۷-۹۴۸)

۳-۱- منابع شاهنامه‌های کردی

پراکندگی داستان‌های رزنامه‌ها نشان می‌دهد منابع مختلفی مورد استفاده سرایندهان قرار گرفته است. اکثر داستان‌ها به صورت منظوم یا روایات کلامی، سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و در مقطعی توسط شاعری سروده شده است. به طور کلی منابع روایی شاهنامه‌های کردی را می‌توان در سه دسته تقسیم نمود:

الف: ادب شفاهی، شامل شعر و داستان‌های شفاهی چون نقالی و غیره؛

ب: متون مقدس یارسان و اهل حق؛

پ: نسخ خطی.

ادب شفاهی را می‌توان مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها و گونه‌های ادبی دانست که ناظر بر باورها، پنداشت‌ها، عواطف و احساسات به یادماندنی شفاهی است که به صورت سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است». (چمن‌آرا، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۳۱)

نسخه‌های خطی شاهنامه‌های کردی زیادند که در گذر زمان بسیاری از آنها از بین رفته‌اند اما برخی از داستان‌هایی که نسخ خطی آنها موجود است عبارتند از: رستم و اسفندیار، رستم و شغاد، رستم و کی کهزاد، منیژه و بیژن، هفت لشگر، هفت خوان رستم و متون مقدسی مانند «کلام خزانه» و «نامه سرانجام» که متعلق به پیروان آیین یارسان است، در آنها به طور چشمگیری از پادشاهان و پهلوانانی باستانی چون رستم، سهراب، جمشید، اسفندیار و ... یاد می‌شود که می‌توانند از منابع مورد استناد باشد. (خزنده‌دار، ۲۰۰۱: ۵۵)

در این پژوهش، شاهنامه الماسخان کندوله‌ای، گردآوری شده توسط آقای محمدرشید امینی و با عنوان شاهنامه کردی «هورامی»، متشکل از داستان‌های رستم و کی کهزاد، هفت‌خان رستم، رستم و سهراب، سیاوش، برزو و فرامرز یا فلاوند، بیژن و منیژه، جنگ هفت‌لشکر، رستم و زرده‌نگ، رستم و اسفندیار، رستم و شغاد و داستان بهمن و فرامرز و آذربرزین مورد استناد قرار گرفته است. همچنین از میان نسخه‌ها و تصحیح‌های متعدد شاهنامه فردوسی، به نامه باستان میرجلال‌الدین کزازی (جلدهای دوم، سوم، پنجم و ششم) استناد شده است. در این میان، داستان‌های «رستم و سهراب»، «رستم و اسفندیار»، «سیاوش»، «بیژن و منیژه» و «شغاد» که محتوای مورد پژوهش را دارند، مورد تحلیل کمی و کیفی قرار گرفته‌اند.

۴- بررسی نیایش‌ها

قبل از تحلیل نمونه‌های نیایش هر داستان، بیان مهم‌ترین تفاوت‌های ساختاری هر داستان در شاهنامه‌ی فردوسی و شاهنامه‌ی کردی ضروری به نظر می‌رسد.

۴-۱- داستان بیژن و منیژه

ساختار روایی داستان در دو شاهنامه بسیار مشابه است؛ به گونه‌ای که می‌توان داستان بیژن و منیژه را در میان پنج داستان مشترک دو شاهنامه، شبیه‌ترین دانست. نمونه‌های نیایش‌ها در بیژن و منیژه:

شاهنامه کردی			شاهنامه فردوسی		
محتوا	گوینده	ابیات	محتوا	گوینده	نامه باستان
استمداد از یزدان	بیژن	۲۲۸ تا ۲۹۲	از اهریمن نالیدن، استمداد از یزدان	بیژن	۲۲۵
استمداد از یزدان	بیژن	۳۶۴ تا ۳۶۸	نالیدن از نبود فریادرس، استمداد از یزدان	بیژن	۲۶۴
شکرگزاری	کیخسرو	۷۰۶	استمداد از یزدان برای نابودی بدخواه	بیژن	۱۰۲۷ و ۱۰۲۸
استمداد از یزدان	کیخسرو	۴۷۴	استمداد از یزدان	کیخسرو	۵۵۱
استمداد از یزدان	گیو	۴۸۰	فریادخواهی، استمداد از یزدان	بیژن	۵۶۴ و ۵۶۵
استمداد از یزدان	رستم	۷۱۵	استمداد از یزدان	گیو	۶۲۱
			شکرگزاری	زال	۶۳۲
			استمداد از یزدان	رستم	۶۷۴
			استمداد از یزدان	رستم	۶۸۹
			استمداد از یزدان	رستم	۱۰۴۴ و ۱۰۵۴
			استمداد از یزدان	رستم	۱۰۵۶

مهم‌ترین داده‌های تحلیلی عبارت هستند از بیشترین نیایش‌ها در نمونه فردوسی از زبان رستم با چهار مورد و در شاهنامه کردی از زبان کیخسرو و منیژه هر کدام دو مورد می‌باشد. در شاهنامه فردوسی از یازده مورد، ده مورد به منظور استمداد از یزدان، یک مورد به قصد شکرگزاری بیان شده است. در شاهنامه کردی از شش مورد، چهار مورد استمداد از یزدان و دو مورد شکرگزاری می‌باشد.

مهم‌ترین نکته در تحلیل این است که بیشتر نمونه‌های نیایش در دو داستان در کمال اختصار و با حداقل ابیات بیان شده‌اند و از نظر واژگانی نیز استفاده از لفظ «یزدان» با حداکثر کاربرد وجه اشتراک دو داستان است:
از زبان گيو:

سواران دوده همه بر نشانند به یزدان پناهیـد و نامش بخواند
(فردوسی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۶۲۱)

از زبان کیخسرو:

جه یه زدان پاک هیمهت خواهی کرد که یدئه هریمهن نهو سهرا لابه رد
(کندوله‌ای، ۱۳۸۹: ۴۷۴)

ترجمه: از خداوند پاک کمک خواست و مکر اهریمن را از آن سرا زدود.

۴-۲- داستان رستم و سهراب

مهم‌ترین تفاوت‌های ساختاری رستم و سهراب در شاهنامه کردی با شاهنامه فردوسی:
۱: در شاهنامه کردی، ربودن رخس رستم با نقشه از پیش طراحی شده تهمینه بوده است.
۲: درخواست خواستگاری رستم از تهمینه در شاهنامه کردی به واسطه وزیر شاه سمنگان صورت گرفته است.
۳: در شاهنامه کردی، آوردن قاضی (عاقد) برای انعقاد پیوند ازدواج، متفاوت از اصل داستان فردوسی است.
۴: در شاهنامه کردی، سهراب با دختری دهقان‌زاده و نجیب ازدواج کرده است.
۵: در شاهنامه فردوسی، گردآفرید نام پهلوان ایرانی است، اما این نام به صراحت در شاهنامه کردی بیان نشده، بلکه با عنوان «خواهر هجیر» از او یاد شده است.
۶: در شاهنامه فردوسی زمانی که در نبرد اصلی، رستم سهراب را زمین می‌زند، بدون درنگ با خنجر سینه سهراب را می‌شکافد، اما این نکته در شاهنامه کردی، با تقاضای امان خواهی سهراب همراه است.
۷: در شاهنامه کردی، پس از مرگ سهراب، تهمینه از رستم صاحب فرزند دیگری به نام فرامرز می‌شود که در داستان فردوسی نمود ندارد.

نمونه‌های نیایش در رستم و سهراب:

شاهنامه کردی			شاهنامه فردوسی		
محتوا	گوینده	ابیات	محتوا	گوینده	نامه باستان
نیایش رستم برای یافتن رخس	رستم	۵۸ تا ۶۲	استمداد از یزدان برای پیروزی	رستم	۳۱۶۲ تا ۳۱۶۳
نیایش رستم برای یافتن رخس	رستم	۱۷۲	نفرین رستم خودش را درضمن درخواست نشانی از سهراب	رستم	۳۱۹۳
استمداد از یزدان برای پیروزی	رستم	۴۹۲ تا ۴۹۴	نفرین رستم خودش را درضمن درخواست آمرانه از گودرز برای آوردن نوشدارو	رستم	۳۲۵۱

استمداد از یزدان برای پیروزی پس از شکست اولی	رستم	۵۴۴ تا ۵۴۶			
شکر به خاطر تولد فرزندشان به نام فرامرز	رستم، تهمینه و زال	۷۹۶ و ۷۹۷			
توفیق سرایش داستان	شاعر	۷۹۸ و ۷۹۹			
دعای اجداد، اساتید و بزرگان دین	شاعر	۸۲۳ و ۸۲۶			

در داستان رستم و سهراب شاهنامه فردوسی فقط پنج نمونه نیایش وجود دارد که اگر دو مورد نفرین رستم را نیز به این نمونه‌ها بیفراییم، می‌توان گفت که در مجموع هفت مورد نمود دارد در حالی که در رستم و سهراب کردی ده مورد نیایش وجود دارد. تحلیل کیفی نمونه‌ها نشان می‌دهد که در نمونه‌ای در شاهنامه کردی که رستم از یزدان طلب قدرت می‌کند، زبان بیان همراه با خوف و ترس رستم متفاوت و متمایز است:

روسته‌م فه‌راوان خه‌وفش نه دل به‌رد
واتش یا یه‌زدان تاک ته‌نیای فه‌رد
من هه‌ر جه توفلیم زورنازما بیم
کوشه‌نده‌ی دیوان شوم گوم‌را بیم
چه‌ند جه‌نگ دیوان جه لام بی‌ناسان
هه‌رگیز وه‌یته‌وره نه‌ویم هه‌راسان
(کندوله‌ای، ۱۳۸۹: ۴۹۲-۴۹۴)

ترجمه: (رستم) با استمداد از نام یزدان دست به گرز برد در حالیکه از شدت ضربات سم رخشش، زمین به لرزه درآمد. سایر نمونه‌ها: ابیات (۴۰۹) (۳۷۹) (۵۸۲-۵۸۵).

۳-۴- رستم و اسفندیار

این داستان نیز در دو شاهنامه از نظر روایی بسیار مشابه‌اند. اندک تفاوت‌های ساختاری دو داستان. در شاهنامه کردی، بین بهمن و رستم بر سر شکار درگیری به وجود می‌آید که در شاهنامه فردوسی نیست؛ همچنین در شاهنامه کردی، گشتاسب به گناهکاری خود در مرگ اسفندیار اعتراف می‌کند.

نمونه‌های نیایش در رستم و اسفندیار:

شاهنامه کردی			شاهنامه فردوسی		
محتوا	گوینده	ابیات	محتوا	گوینده	نامه باستان
دعای در حق اسفندیار قبل از توضیح جریان شکار رستم	بهمن	۱۴۵	دعابرای گشتاسب قبل از تقاضای سلطنت	اسفندیار	۳۳۵۲

دعای برای پیروزی رستم	زال	۲۵۰ و ۲۵۱	دعا در حق اسفندیار	گشتاسب	۳۳۸۸
نفرین رستم	اسفندیار	۳۱۷	نفرین تخت شاهی	کتایون	۳۴۴۶
استمداد از یزدان	اسفندیار	۳۵۸	دعای برای سالم رسیدن بهمن به عنوان پیک	زال	۳۵۷۳
استمداد از یزدان	رستم	۳۶۰	دعا برای بهمن	زواره	۳۶۴۶
استمداد از یزدان	اسفندیار	۳۷۲	دعا برای اسفندیار	رستم	۳۷۵۸ و ۳۷۵۷
استمداد از یزدان	رستم	۳۷۹	دعا برای رستم پس از باده-نوشی	اسفندیار	۴۰۷۴ و ۴۰۷۳
استمداد از یزدان	رستم	۴۰۹	دعا در حق اسفندیار	رستم	۴۰۷۵
تقاضای عفو از یزدان قبل از پرتاب تیر گز	رستم	۵۸۲ تا ۵۸۵	دعای برای دفع شر و سرنوشت بد از خاندانش	زال	۴۲۵۹ و ۴۲۵۸
			دعا در حق رستم	سپاهیان رستم	۴۲۶۷
			استمداد از یزدان، پس از نبرد اول	رستم	۴۴۳۹ تا ۴۴۴۱
			نفرین رستم قبل از نبرد دوم	اسفندیار	۴۵۹۰
			عفو از خدا قبل از پرتاب تیر گز	رستم	۴۶۲۹ تا ۴۶۳۴
			نفرین بر تاج و تخت	پشوتن	۴۶۷۳ تا ۴۶۷۶
			نفرین بر بداندیشان	رستم	۴۷۶۴
			دعا در حق بهمن	گشتاسب	۴۹۲۳
			دعا برای جاودانگی بهمن	فردوسی	۴۹۲۴ تا ۴۹۲۶

از نظر کمی تعداد نمونه‌های نیایش در رستم و اسفندیار فردوسی هفده مورد و در شاهنامه گردی نه مورد است. بیشترین نیایش‌ها در رستم و اسفندیار فردوسی از زبان

رستم با پنج مورد و سپس اسفندیار با سه مورد است اما در نمونه کردی، بیشترین‌ها به ترتیب از زبان رستم با چهار مورد و اسفندیار با سه مورد است. اکثر نیایش‌ها در دو نمونه به منظور استمداد از یزدان می‌باشد. در دو نمونه حماسی، هیچ نیایشی با هدف سپاسگزاری از یزدان صورت نگرفته است؛ زیرا سیر داستانی به گونه‌ای است که هیچ گشایشی در مسیر حوادث داستان ایجاد نمی‌شود تا سپاس و سپاسگزاری صورت گرفته باشد. تحلیل کیفی نمونه‌ها نیز بیان‌کننده‌ی وجوه تمایز و اشتراکی است که اهم آن‌ها عبارتند از: در داستان فردوسی، دعا و نیایش رستم و استمداد در جواب به دعای طرف انجام می‌شود، در حالی که این نوع پاسخگویی در شاهنامه کردی اصلاً وجود ندارد به عبارتی کامل‌تر، در رستم و اسفندیار شاهنامه کردی (دو قهرمان اصلی داستان) هیچ‌گاه در حق همدیگر دعایی مثبت نداشته‌اند و تنها یک مورد نفرین از زبان اسفندیار وجود دارد:

ئینشالله به حق یه‌زدان بی‌چوون وینـه‌ی ئه‌شکه‌بوس مه‌بی سه‌رنگون
(کندوله‌ای، ۱۳۸۹: ۳۱۷)

ترجمه: به حق یزدان یکتا قسم که مانند اشکبوس نابود گردی!

در شاهنامه فردوسی از زبان رستم اسفندیار را:

همه دشمنان از تو پر بیم باد! دل بد سگالان به دو نیم باد!
همه ساله بخت تو پیروز باد! شبان سیه بر تو نوروز باد
(فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۶: ۳۷۵۷-۳۷۵۸)

و یا

چنین گفت با او، یل اسفندیار که: شادان بزی تا بود روزگار
من و هر چه خوردی تو را نوشه باد! روان تو را، راستی توشه باد!
(همان: ۴۰۷۳-۴۰۷۴)

و در پاسخ از زبان رستم:

بدو گفت رستم که: ای نامدار! همیشه خرد بادت آموزگار
(همان: ۴۰۷)

در دو داستان، از زبان رستم، قبل از پرتاب تیر گز دعایی به قصد آمرزش و عفو و به نوعی عذر تقصیر وجود دارد:

<p>سر خویش کرده سوی آسمان فزاینده‌ی دانش و فرّ و زور توان مرا هم روان را مگر سر بیچاند از کازرار همی جنگ و مردی فروشد همی تویی آفرینده‌ی ماه و تیر (همان: ۴۶۲۹-۴۶۳۴)</p>	<p>چو آن تیر گز راند اندر کمان همی گفت کای پاک دادار هور! همی بینی این پاک جان مرا که چندین بیچم که اسفندیار تو دانی به بیداد کوشد همی به بادافره این گناهم مگیر</p>
--	--

و در داستان گردی:

<p>رو که رد وه بالا نام یه‌زدان به‌رد بینای بان سهر فهدی بی زه‌وال به که‌رده و گوفتار بهل به‌یو وه راه یا سازنده‌ی چهرخ به‌رز بی نه‌زیر (کندوله‌ای، ۱۳۸۹: ۵۸۲-۵۸۵)</p>	<p>ده‌ست دا وه که‌مان ئه‌و شیر نه‌به‌رد وات ئه‌ی جه‌هاندار ئاگا جه ئه‌حوال وه ئه‌سفه‌ندیار چه‌ند که‌ردم رجا مه‌گیره‌م تاوان ئه‌ی گونا و ته‌قسیر</p>
--	---

ترجمه: آن شیر نبرد درحالی که روبه آسمان کرده بود و خدا را می‌خواند دست به کمان برد و گفت: ای خدا خالق با خبر از اسرار وای بینای والا مرتبه‌ی یکتا و بی زوال! امید زیادی داشتم که اسفندیار با سخنانم سر به راه شود. خدایا! ای خالق هستی بلندمرتبه و بی نظیر! این گناه و کوتاهی را به حساب من مگذار.

و فور نفرین به عنوان دعایی منفی در رستم و اسفندیار فردوسی از زبان شخصیت‌هایی چون اسفندیار و خطاب به رستم، از زبان کتایون و پشوتن و خطاب به تخت شاهی، به نوعی طبیعی است زیرا سیر داستان و حوادث آن ایجاب می‌کند که یه دلایلی از قبیل ناکامی در رسیدن به خواسته و یا درد و اندوه ناشی از مرگ عزیزی، چنین بیانی وجود داشته‌باشد اما در تنها نمونه، نوع نفرین از زبان رستم، کلی است،

زیرا زبان رستم که نماد هویت ایرانی است ایجاب می‌کند که در بیان این قهرمان، پاکی رعایت شود، این نفرین پس از رثای رستم بر مرگ اسفندیار بوده‌است (در مصراع اول، دعا و در مصراع دوم نفرین):

روان با آسمان در، میان بهشت بداندیش تو بدرود هر چه کشت
(فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۶: ۴۷۶۴)

معمولاً نیایش‌ها و ادعیه همراه مدح، رجز و شکوایه می‌آیند. نمونه‌های شاهنامه فردوسی: ابیات (۴۵۸۵-۴۶۰۵) - (۴۶۷۳-۴۶۷۶) - (۴۵۹۰) و در شاهنامه کردی: (۵۸۲-۵۸۵) - (۱۴۵). در شاهنامه کردی (رستم و اسفندیار) از نه مورد نیایش، هشت مورد آن با هدف استمداد از یزدان می‌باشد و معمولاً زبان بیان آن‌ها یکسان است؛ به عبارتی کاربرد واژه‌ها در اکثر نمونه‌ها تکراری و یکسان است:

په‌نا به‌رد به‌زات سونع یه‌زدانی تهن به‌خشا به ئه‌مر قه‌زای ره‌بانی
(کندوله‌ای، ۱۳۸۹: ۳۵۸)

ترجمه: (اسفندیار) برای پیروزی، به ذات یزدان پناه برد و تسلیم قضای ربّانی شد.

نام یه‌زدان به‌رد ده‌ست پیکا به‌گورز جه سمی ره‌خشش زه‌مین ئاما له‌هرز
(همان: ۳۶۰)

ترجمه: (رستم) با استمداد از نام یزدان دست به‌گرز برد در حالیکه از شدت ضربات سم‌رخشش، زمین به‌لرزه درآمد. سایر نمونه‌ها: ابیات (۴۰۹) - (۳۷۹) - (۵۸۲-۵۸۵).

۴-۴- داستان سیاوش

مهم‌ترین تفاوت‌های ساختاری داستان سیاوش در شاهنامه کردی با شاهنامه فردوسی: ۱: در شاهنامه کردی و در آغاز داستان، گیو و توس در اوّلین برخورد، زن زیبارو را جادوگر می‌پندارند و پس از جدال برای تصاحب زیبارو، خود زیبارو پیشنهاد می‌دهد که داوری را به نزد کیکاووس ببرید. ۲: در شاهنامه کردی، جلدانی هستند که به دستور کیکاووس، قصد کشتن سیاوش را در بدو تولّد دارند و پس از تهدیدهای همراه با نکوهش رستم است که کیکاووس سیاوش را عوض خون سهراب به رستم

می‌بخشد. ۳: در داستان کردی، پیشنهاد مسموم کردن غذای کیکاووس از طرف سودابه به سیاوش و نیز جانبداری کیکاووس از سودابه در ماجرای رسوایی و سرزنش سیاوش و دستور دادن به جلاّدان برای زدن گردن سیاوش با اصل داستان فردوسی متفاوت است. ۴: در شاهنامه کردی، سیاوش را غل و زنجیر کرده داخل آتش می‌اندازند که نمونه‌ای شبیه‌سازی شده از داستان حضرت ابراهیم و گلستان شدن آتش بر اوست؛ ۵: در داستان کردی، علاوه بر شرط گذر از آتش برای اثبات بی‌گناهی که از زبان سیاوش مطرح می‌گردد، شرط دومی نیز از طرف او بیان می‌شود و آن این که برای اثبات قطعی بی‌گناهی‌اش به نبرد با افراسیاب برود، اگر زنده ماند بی‌گناه است در غیر این صورت گناهکار بوده و سرش قطع خواهد شد؛ ۶: دستور رستم برای آوردن جنازه سیاوش به ایران و توصیف قتل و غارت و ربودن زیبارویان تورانی به دستور رستم با هدف انتقام که در شاهنامه فردوسی نمود ندارد؛ ۷: مرگ کیکاووس در نمونه کردی به دلیل غصّه مرگ سیاوش یا ترس از رستم عنوان شده است؛ هر چند بیتی طنزآمیز نیز از زبان سراینده شاهنامه کردی این مرگ را به فال نیک گرفته است؛ ۸: اشاره به سه سال بی‌پادشاه ماندن ایران و هرج و مرج ناشی از آن پس از مرگ کیکاووس و پناه بردن به زال برای دادخواهی و رفع ظلم و ستم و گذاشتن تاج کیانی بر سر زال و در ادامه پناه بردن به منجمان برای انتخاب جانشین کیکاووس و نیز وجود فرزندان و نوادگانی از آن رستم چون جهانبخش، زرعلی و جهانگیر که هر کدام سرداران و پهلوانانی تنومند از لشکریان ایران‌اند که برای کمک به کیخسرو آمده‌اند؛ ۹: آمدن غواصانی از دریا برای کمک به کیخسرو و گذاشتن تاج افراسیاب بر سر کیخسرو و آوردن تخت شاهی افراسیاب برای کیخسرو از دیگر نکات متمایز دو داستان است.

نمونه‌های نیایش در داستان سیاوش:

شاهنامه کردی			شاهنامه فردوسی		
محتوا	گوینده	ابیات	محتوا	گوینده	نامه باستان
شکر برای دیدن سیاوش	کیکاووس	۱۸۳	پناه بردن به ذات یزدان بعد از تولد سیاوش و نگریستن در بخت و اقبال نامناسب	کیکاووس	۶۹

نفرین زنان	الماسخان	۲۲۰	سپاسگزاری پس از دیدار نوزاد	بزرگان	۱۱۱ تا ۱۱۳
نفرین تخت شاهی در حضور کاووس	سودابه	۲۳۵ تا ۲۳۷	استمداد از یزدان برای دوری از اهریمن قبل از دیدار با سودابه	سیاوش	۲۷۶
نفرین سیاوش زمانی که آماده نبرد با تورانیان می شود	کیکاووس	۲۸۲	سپاس یزدان پس از عبور از آتش	سیاوش	۵۱۰
استمداد برای پیروزی	سیاوش	۳۰۱ تا ۳۰۷	دعای کیکاووس	رستم	۵۹۳
دعای افراسیاب	سیاوش	۳۸۵ تا ۳۹۰	دعا برای سپاهیان سیاوش	کیکاووس	۶۱۱ و ۶۱۲
استمداد از یزدان پس از توطئه گرسیوز	سیاوش	۴۹۱	دعای برای کیکاووس در متن نامه ارسالی	سیاوش	۶۵۲
نفرین ایرانیان و تورانیان مقصر در مرگ سیاوش.	فرنگیس	۵۴۸ تا ۵۵۵	دعای سیاوش در جواب نامه	کیکاووس	۶۶۰ تا ۶۶۷
شکر برای یافتن شبرنگ	کیخسرو	۹۱۸	دعای سیاوش	زنگه	۱۰۵۸
دعای برای پیروزی گیو در نبرد	کیخسرو	۹۷۰ تا ۹۷۵	دعای افراسیاب	پیران	۱۱۰۸
دعای برای پیروزی کیخسرو در نبرد.	فرنگیس	۹۹۴ تا ۹۹۷	دعای سیاوش	افراسیاب	۱۱۵۰
دعای برای گذر از رود	کیخسرو	۱۰۰۳ تا ۱۰۱۱	دعای افراسیاب	سیاوش	۱۲۲۴ تا ۱۲۲۶
شکر برای پیدا شدن جام جهان بین.	کیخسرو	۱۰۲۹	دعای سیاوش	پیران	۱۲۶۲ تا ۱۲۶۵
شکر گزار برای پیدا شدن جام جهان بین	گیو و فرنگیس	۱۰۳۳	دعای سیاوش	افراسیاب	۱۲۸۱
شکر برای هیبت برزو	رستم	۱۲۴۳	دعای افراسیاب	سیاوش	۱۲۸۲
دعای برزو.	رستم	۱۲۴۵	شکرگزاری	سیاوش	۱۲۸۳

دعای سام.	رستم	۱۲۷۴	دعای افراسیاب	پیران و سیاوش	۱۲۵۷ و ۱۲۵۸
شکر بعد از دیدن شکوه زرعلی	رستم	۱۲۷۶	شکرگزاری	پیران و سیاوش	۱۲۵۹
دعای برای پیروزی در نبرد	کیخسرو	۱۳۲۵ تا ۱۳۳۳	دعای سیاوش	پیران	۱۲۹۲
شکر پس از دیدن شجاعت برزو	کیخسرو	۱۳۸۲	دعای فرنگیس پس از تولد کیخسرو	سیاوش	۱۷۵۷
دعای برای پیروزی در نبرد	برزو	۱۵۵۶	دعای گرسیوز	فرنگیس	۱۷۶۸
دعای رستم	جهانگیر	۱۵۸۵	دعای سیاوشدر متن نامه	گرسیوز	۲۰۳۳ و ۲۰۳۴
دعای رستم.	سام	۱۶۱۴	دعای افراسیابدر متن نامه	سیاوش	۲۰۴۸
استمداد از یزدان	برزو	۱۸۳۴ تا ۱۸۴۴	دعای سیاوش	فرنگیس	۲۰۸۶ تا ۲۰۸۸
دعای برای نجات پهلوانان ایرانی	کیخسرو	۱۷۳۵ تا ۱۷۴۳	سپاس برای تولد کیخسرو و دعای برای گرفتن کینه و انتقام	سیاوش	۲۲۶۶ تا ۲۲۶۸
دعای برزو	رستم	۱۸۴۴	دعای پیلسم در ضمن درخواست برای رساندن پیامش به پیران	سیاوش	۲۲۷۰
			شکر به خاطر نجات کیخسرو	پیران	۲۴۰۹
			شکر برای سرایش داستان	فردوسی	۲۵۲۶ و ۲۵۲۷
			شکر برای یافتن کیخسرو	گودرز	۲۹۵۹ تا ۲۹۶۰
			شکر برای یافتن کیخسرو	گیو	۳۰۸۸
			استمداد از یزدان پس از دور شدن کیخسرو و بهزاد	گیو	۳۱۳۳ تا ۳۱۳۵
			دعای کیخسرو	گیو	۳۱۴۵ و ۳۱۴۶
			دعای فرنگیس و کیخسرو	گیو	۳۳۰۵

			استمداد از یزدان قبل از عبور از رود	کیخسرو	۳۳۹۸ تا ۳۳۹۶
			کیخسرو	گودرز	۳۴۵۸ تا ۳۴۵۹
			نفرین توس	گیو	۳۵۲۴
			استمداد از یزدان	گیو	۳۶۲۶

در مجموع نیایش‌ها با محتوای (سپاسگزاری، استمداد از یزدان، دعا و نفرین) سی و نه مورد در داستان سیاوش فردوسی نمود دارد که بیست و پنج مورد آن دعا و از این ادعیه نیز دو مورد آن از نوع نفرین می‌باشد. اما در سیاوش کردی از بیست و هفت مورد کلی نیایش، هفده مورد دعا و چهار مورد آن نیز از نوع نفرین می‌باشد. بیت ۲۸۲: نفرین کاوس شاه بر سیاوش آن زمان که برای نبرد با تورانیان اعلام آمادگی می‌کند این نفرین در شاهنامه فردوسی نیست.

ده‌ردم نه‌فرینش بکه رد کاوس شا لوانت به‌لوان‌مان نه‌ی دما
(کندوله‌ای، ۱۳۸۹: ۲۸۲)

ترجمه: کیکاووس سیاوش را نفرین کرد و گفت: «الهی که بروی و برنگردی»
ابیات ۳۰۱ تا ۳۰۷ از زبان سیاوش (استمداد برای پیروزی) این استمداد همراه با نوعی سوگند است؛ زیرا سیاوش خداوند قاضی الحاجات را به عرش، خورشید و ماه فرشتگان و ... قسم می‌دهد. ابیات ۱۰۰۳ تا ۱۰۱۱ دعای کیخسرو برای گذر از رود که در نمونه فارسی وجود ندارد و نتیجه این دعا هم اجابت شدن است (یخ شدن آب رودخانه برای عبور آنان). بیت ۱۸۴۴ دعای رستم در حق برزو «نکته مهم، نوع دعاست که رنگ و بوی مذهبی به خود گرفته است:

واتش تا مه‌هدی ساحیب زهور بو دشمنان تو دایم هه‌ر گشت کور بو
(همان: ۱۸۴۴)

ترجمه: گفت: «انشالله تا زمانی که حضرت مهدی (عج) صاحب ظهورند، دشمنان تو کور شوند.

تحلیل نمونه‌های دو شاهنامه در داستان سیاوش نشان می‌دهد که در سیاوش فردوسی بیشترین نیایش‌ها از زبان سیاوش با ده مورد، گیو پنج مورد، و پیران شش

مورد است، حال آنکه در نمونه‌ی کردی، بیشترین نیایش‌ها از آن: سیاوش سه مورد، فرنگیس سه مورد و کیکاووس دو مورد است. برخی از نیایش‌ها و دعاها در متن نامه‌ها و معمولاً قبل از مدح مخاطب و یا تهدید مخاطب نوشته شده‌است، مثلاً نمونه‌ی زیر، دعای افراسیاب در حق سیاوش در متن نامه‌ای که نتیجه آن همراه با تهدید است:

امید است م از کردگ ار جهان شناسنده آشه -- -- کار و نه -- -- ان
 کز این باز گردد سوی راستی شه -- -- سود دور از او کژی و کاستی
 (فردوسی، ۱۳۹۱، ج ۳: ۲۰۳۳ و ۲۰۳۴)

و یا دعای سیاوش نسبت به افراسیاب در پاسخ به نامه افراسیاب (۲۰۴۸). در دو نمونه آمیختگی دعا و نفرین نمود دارد، مثلاً از زبان فرنگیس نسبت به سیاوش در شاهنامه فردوسی:

ز گیتی که را گیری اکنون پناه؟ پناهت خداوند خورشید و ماه!
 ستم باد بر جان او ماه و سال کجا بر تن تو شود بد سگال
 (همان: ۲۰۸۶ و ۲۰۸۷)

اگر بخواهیم مفهوم مشابه دعای فوق را در شاهنامه کردی بیابیم می‌توان به نفرین فرنگیس بر ایرانیان و پهلوانان ایرانی و بر افراسیاب و گرسیوز قبل از مرگ سیاوش اشاره کنیم:

هر با سه‌رچ شمه‌ی ئیرانی کور بو شای ئه‌افراسیاب و لیسان زور بو
 رو ستم چه‌نی ره‌خش نگون خاک بو فه‌رامه‌رز نه جنگ جه‌رگش چاک چاک بو
 ...

جه و شور ئه و شین بانوی دل که باب چند حرف بی‌جا وات وه ئه‌افراسیاب
 واتش ئه‌ی نامهرد شوم جادوگر کهم نهو جوانان وه کوشته بدهر
 گهر سیوس کور لیت بی ره‌نمون تا دیسان زه‌مین که‌ردی وه گول‌گون
 (کندوله‌ای، ۱۳۸۹: ۵۴۸ تا ۵۵۵)

ترجمه: انشالله اجاق ایرانی‌ها کور باشد و افراسیاب بر آنها مسلط شود. رستم و رخس سرنگون شوند و فرامرز در جنگ داغدیده شود فرنگیس با ناله و دلی داغدار چند ناسزا به افراسیاب گفت و بیان کرد: ای نامرد جادوگر! کمتر جوانان را به کشتن بده. ای بد ذات بدکار بدخوی بی اصل و نسب! انشالله به مانند تو خلق نشود، تو که گرسیوز کور و کوردل راهنمایت بود و به واسطه‌ی راهنمایی‌های او زمین را گلگون کردی.

زبان نفرین در سیاوش کردی هم از نظر کمی و هم به لحاظ کیفی بیشتر و گزنده‌تر و بی‌پروا تر است. در شاهنامه کردی بیتی از زبان الماس‌خان کندوله‌ای (سراینده شاهنامه کردی) با محتوای نفرین وجود دارد که در نمونه فارسی نیست:

ئه‌م جار ههم وه مه‌که‌ر بانو گوش دهران له‌عنه‌ت بکه‌ران وه مه‌که‌ر زه‌نان
(همان: ۲۲۰)

ترجمه: این بار به مکر بانو(سودابه) گوش داد، لعنت بر مکر زنان باد! نیایش‌ها در دو نمونه، معمولاً به قصد مددخواهی از یزدان و یا سپاسگزاری و بی‌واسطه صورت می‌گیرد. در شاهنامه کردی از زبان سیاوش، نیایش برای طلب پیروزی در نبرد با افراسیاب وجود دارد که همراه با سوگند است و از اندک مواردی است که در داستان سیاوش فردوسی نظیر ندارد:

رو که‌رد وه بالا که‌ردش مو ناجات	وه دهر گای که‌ریم قازی ئه‌ل‌حاجات
یا ره‌ب به حاجه‌ت هزار و یه‌ک نام	وه وا حید سر بزور گی ته مام
وه ئا گای بنیاد چه‌رخ عه‌زیمت	وه مه‌لا ئی‌کان عه‌رش عه‌میت
وه رو شنایی خور شید و ماهت	وه سر قودره‌ت یه‌ک تای په‌ناهت
وه فر شت‌گه گان عه‌رش عه‌زیمت	وه خا سان عه‌دل پاک قه‌دیمت
ئوم یدم به تون نه جانم بدهر	وه ناو ئه‌میران خه‌ جا له‌تم نه‌ که‌ر
ئه‌ گهر من گو نام نه‌دارو ژه‌ سه‌ر	ژ ناو مه‌ردان رو سه‌ فیدم که‌ر

(همان: ۳۰۱-۳۰۷)

ترجمه: سیاوش رو به آسمان نمود و به درگاه قاضی الحاجات دعا کرد که خدایا به هزار و یک نامت، به وحدانیت و بزرگی است، به دنیا و هستی بزرگت، به فرشتگان عرش و به روشنایی خورشید و ماه، به قدرت بی نظیرت، به خاصان درگاهت قسم،

تنها امیدم تویی، پس نجاتم بده و مرا در میان بزرگان شرمنده مکن و اگر من گناهکار نیستم مرا در میان مردان روسفید گردان.

در شاهنامه کردی پس از هر نیایش و دعایی معمولاً به اجابت شدن آن هم اشاره می‌شود. هر چند اعتقاد به فر و شکوه و اجابت دعای این فرماندان و شکوهمندان تاج و تخت شاهی در شاهنامه فردوسی هم به صورت ضمنی وجود دارد اما در سیاوش کردی به اجابت دعا پس از هر دعایی نیز اشاره می‌شود. در نبرد سیاوش با تورانیان و پس از ابیات دعایی (۳۰۱ تا ۳۰۷) که به تفصیل بیان گردید به اجابت آن دعاها نیز اشاره شده است.

چونکه مناجات وه سوز دل کهرد
خوداوند پاک دوعاش گیرا کهرد
(همان: ۳۰۸)

ترجمه: چون سیاوش مناجاتش با سوز دل همراه بود پس خداوند دعایش را اجابت کرد.

یا در نمونه‌ای دیگر پس از نیایش و دعای کیخسرو و در حق گیو برای پیروزی در نبرد در ابیاتی از سیاوش کردی، بلافاصله به اجابت دعا هم اشاره می‌شود: چونکه موناجات وه سوز دل کهرد
خودا نه جات دا گیو نا مدار
ئه‌ولاد پاک بی دو عا قه‌بول کهرد
شک ست دا سپای تورانی د یار
(همان: ۹۷۶ و ۹۷۷)

ترجمه: چون کیخسرو با سوز دل دعا کرد و فرزندی از پاکان بود دعایش پذیرفته شد و خداوند گیو را نجات داد و سپاه تورانی شکست خورد.

در نمونه‌ای دیگر، ابیات ۱۰۰۳ تا ۱۰۱۱، دعای کیخسرو برای عبور از رود بلافاصله اجابت شده است، برای عبور راحت کیخسرو، فرنگیس و گیو، سطح رودخانه کاملاً یخ می‌بندد، ابیات (۱۰۱۷ و ۱۰۱۸).

۴-۵- داستان رستم و شغاد

مهم‌ترین تفاوت‌های ساختاری داستان رستم و شغاد در شاهنامه کردی با شاهنامه فردوسی: ۱: در شاهنامه منسوب به الماس‌خان، معرفی چهره‌ای منفی از شغاد در زمان تولد و نیز فرمان زال به رستم برای کشتن نوزاد (شغاد) و شفاعت رستم، متفاوت از توصیفات فردوسی است؛ ۲: در شاهنامه فردوسی، شغاد به کابل فرستاده می‌شود اما

در داستان کردی، شغاد با قهر، ایران را ترک می‌کند و به کابل می‌رود؛ ۳: در شاهنامه کردی زنان و کودکان کابلی با دستور رستم به اسارت برده می‌شوند.

نمونه‌های نیایش در داستان رستم و شغاد:

شاهنامه کردی			شاهنامه فردوسی		
محتوا	گوینده	آیات	محتوا	گوینده	نامه باستان
شکر برای کشتن شغاد	رستم	۲۰۶ تا ۲۱۲	استمداد از یزدان بعد از شنیدن سخنان طالع بیان	زال	۴۹۷۴ تا ۴۹۷۱
			شکر برای کشتن شغاد(آخرین دعای رستم در شاهنامه است)	رستم	۵۱۳۱ تا ۵۱۲۹
			دعا بر جنازه رستم	مردم	۵۱۸۲

مهم‌ترین نکات تحلیلی این که در رستم و شغاد فردوسی، سه مورد نیایش با سه هدف متفاوت (سپاسگزاری و استمداد) و در داستان کردی یک مورد به منظور شکرگزاری وجود دارد. در تنها نمونه‌ی کردی رستم پس از کشتن شغاد سپاس خدای را به خاطر زندگی و مرگ با عزت به جا می‌آورد و سپاسگزاری به خاطر کشتن شغاد نیست:

رو مالا نه خاک ساکن بی چه دهر د
 وات ئه‌ی خوداوند، دا نای کول حال
 نه شای تورک سدان نه خاقان چین
 زه لیلیم نه که رد که سی نه روی عام
 وه‌ی دونیای روشن چهنده شاهیم که رده‌ن
 هه نی ها عومرم یاوان وه پان
 وانا شوکرات تاک ته‌ن‌پای فهدرد
 ئه‌و رو په یدات که رد من ژه پیر زال
 نه روم نه فهره‌نگ تا مه‌غریب زه‌مین
 حه‌قم کهس نه‌وهرد تا هند و تا شام
 غه‌مین هم وه خاک خارا سپه‌رده‌ن
 حه سره‌تم نه مه‌ند بیزارم ژه گیان
 (کندوله‌ای، ۱۳۸۹: ۲۱۲-۲۰۶)

ترجمه: چهره بر خاک مالید و دردش ساکن شد و از خداوند یکتا سپاسگزاری نمود و گفت: ای خداوند دانای حالات! از آن روز که من به عنوان فرزند زال پا به هستی گذاشته‌ام و از زمان کودکی تا به حال جنگ آور بوده‌ام و از بین برنده‌ی دیوان گمراه بوده‌ام. هیچ کدام از شاهان ترکستانی، چینی، روم و فرنگ و مغرب زمین نتوانسته‌اند مرا خوار و ذلیل کنند و کسی هم حق مرا نخورده‌است، در این دنیا چه بسیار سلطنت

کردم و چه بسیار بزرگانی را که به خاک سپرده‌ام. اکنون که عمرم رو به پایان است هیچ حسرتی ندارم بلکه از عمر دراز هم خسته شده‌ام و از جان خود بیزار می‌جویم. معادل این مورد در داستان فردوسی با تفاوتی محتوایی (سپاس برای کشتن شغاد):

چنین گفت رستم ز یزدان سپاس که بودم همه ساله یزدان شناس
کز آن پس که جانم رسیده به لب بر این کین من بر، نبگذشت شب
مرا زور دادی که از مرگ پیش از این بیوفا، خواستم کین خویش
(فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۶: ۵۱۳۱-۵۱۲۹)

در شاهنامه کردی، پس از سخنان طالع‌بینان درباره‌ی شومی شغاد(نوزاد)، زال دستور به کشتن نوزاد می‌دهد و رستم به عنوان شفیع، مانع این کار می‌شود، اما در شاهنامه فردوسی پس از سخنان طالع‌بینان، دعای زال برای توکل به خدا و استمداد از او جلوه‌گر شده است:

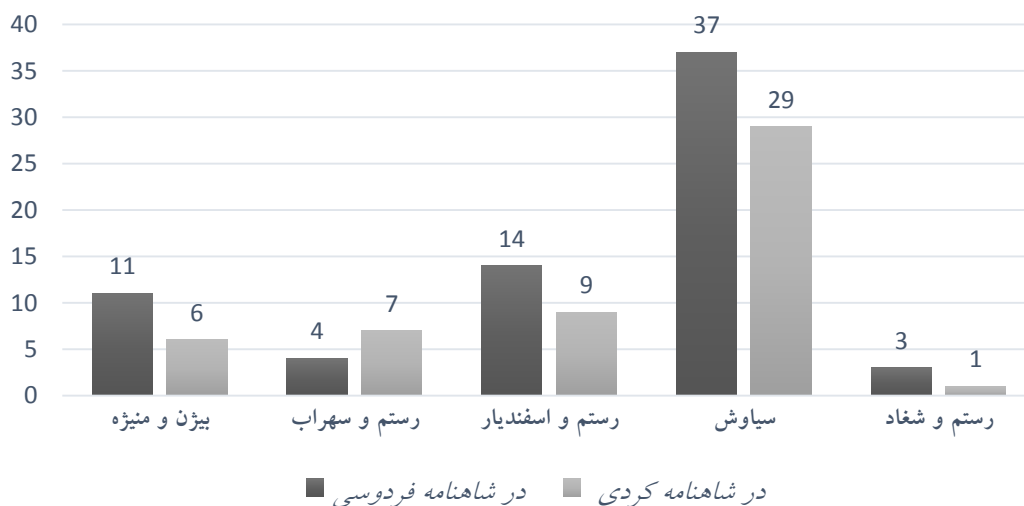
به یزدان چنین گفت کای رهنمای تو داری سپهر روان را به پای
به هر کار پشست و پناهم توی ز ما ینده‌ی رای و راهم توی
سپهر آفریدی و اختر همان همه نیکویی باد ما را گمان!
به جز کام و آرام و خوبی مباد ورا نام کردش سپه‌بد، شغاد
(همان: ۴۹۷۴-۴۹۷۱)

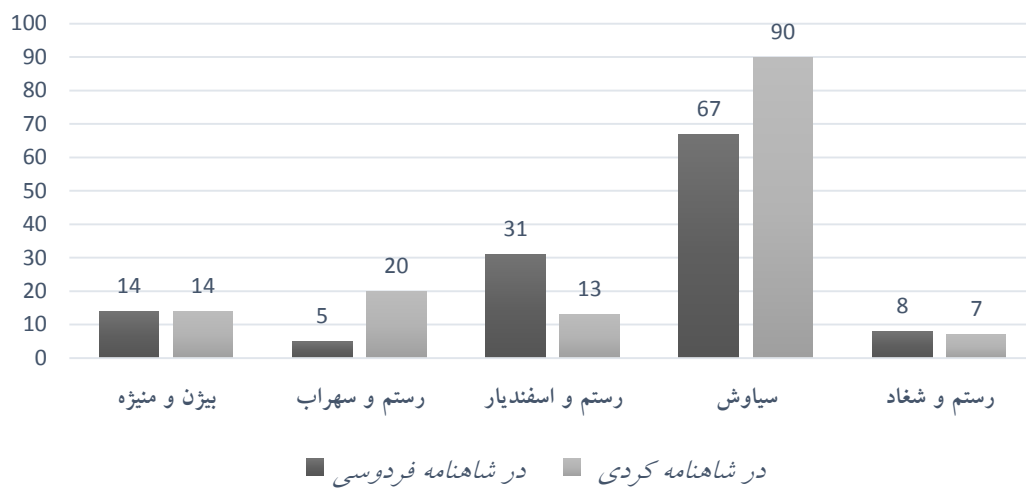
۵- نتیجه‌گیری

تمام نمونه‌های نیایش در داستان بیژن و منیژه به منظور استمداد و شکرگزاری بیان شده است. در اکثر نمونه‌ها، زبان بیان مختصر و با بهره‌گیری از حداقل ابیات صورت گرفته است. بهره‌گیری از لفظ «یزدان» در نیایش‌های دو شاهنامه بیشترین نمود را دارد. در داستان رستم و اسفندیار در دو شاهنامه هیچ نیایشی با هدف شکرگزاری وجود ندارد و تمام نمونه‌ها یا به قصد استمداد بیان شده‌اند یا نفرین. در رستم و اسفندیار فردوسی دعاهایی با بار مثبت از جانب رستم نسبت به اسفندیار وجود دارد، اما در نمونه‌ی کردی حتی یک مورد نیز وجود ندارد و این می‌تواند بیانگر جایگاه والاتر رستم در شاهنامه‌ی کردی نسبت به شاهنامه‌ی فردوسی باشد.

بیان اکثر نیایش‌ها همراه با مدح، رجز و شکواییه است. نفرین به عنوان دعایی منفی و بخشی از نیایش در رستم و اسفندیار بیشترین نمود را دارد. در دو شاهنامه هیچ نفرینی از زبان رستم بیان نشده است. واژگان به کار رفته در اکثر نمونه‌های کردی تکراری‌اند؛ به عبارتی سراینده شاهنامه کردی، برخلاف فردوسی، از لغات و ترکیبات محدودی در بیان خود استفاده کرده است. نفرین در شاهنامه کردی به مراتب بیشتر از شاهنامه فردوسی است و زبان بیان آن هم در شاهنامه کردی بی‌پروا تر، تلخ‌تر و گزنده‌تر از شاهنامه فردوسی است. مهم‌ترین نکته اینکه در شاهنامه کردی پس از هر دعا و نیایشی که با هدف استمداد صورت گرفته است، به صورت مستقیم و در قالب الفاظ به اجابت شدن آن دعا نیز اشاره شده است؛ هرچند که اعتقاد به فر و شکوه و اجابت دعای این فرمندان در شاهنامه فردوسی هم به صورت ضمنی و غیر مسقیم نمود دارد. نمایه کلی نیایش در شاهنامه فردوسی و شاهنامه کردی در دو نمودار زیر نشان داده شده است.

بسامد نمونه‌های نیایش در دو شاهنامه:





منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۱). *ایران و جهان از نگاه شاهنامه*، تهران: امیرکبیر.
- اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۹۳). «رزمنامه کنیزک». *پژوهشنامه ادب حماسی*. سال دهم، شماره هجدهم، صص: ۱۴۵-۱۷۲.
- بلو، جویس. (۱۳۸۳). «گورانی و زازا». *راهنمای زبان‌های ایرانی*. (ج ۲). ویراستار: رودریگر اسمیت. ترجمه حسن رضایی باغ‌بیدی و همکاران. تهران: ققنوس.
- بهرامی، ایرج. (۱۳۸۹). *شاهنامه کردی*. تهران: آنا.
- جوان، مریم. (۱۳۸۱). «نیایشنامه» *فرهنگنامه ادب فارسی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چمن‌آرا، بهروز. (۱۳۹۰). «درآمدی بر ادب حماسی و پهلوانی کردی با تکیه بر شاهنامه کردی»، *جستارهای ادبی*. بهار ۱۳۹۰. شماره ۱۷۲.
- خزنده‌دار، مارف. (۲۰۰۱). *میثوی نهده‌بی کوردی*. هولیر: ئاراس.
- داد، سیما. (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید، چاپ چهارم.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۱). *لغت‌نامه*. تهران: سازمان لغت‌نامه.
- رادمرد، مصطفی. (۱۳۹۵). رساله دکتری «تطبیق غنایی شاهنامه فردوسی و شاهنامه کردی الماسخان کندوله‌ای». با راهنمایی میرجلال‌الدین کزازی، اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، زمستان ۱۳۹۵.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۷۵). *از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه)*، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- شریفی، احمد. (۱۳۷۴). «شاهنامه کردی، نمیرم از این پس که من زنده‌ام». (مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت فردوسی - دی ماه ۱۳۶۹ ش) به کوشش غلامرضا ستوده. تهران: دانشگاه تهران.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۰). *انواع ادبی*. تهران: فردوس، چاپ هشتم.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). *حماسه سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
- صفی‌زاده، صدیق بوره‌کاهی. (۱۳۷۸). *تاریخ کرد و کردستان*. تهران: نشر آتیه.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). *نامه باستان* (ج ۲). پیرایش میرجلال‌الدین کزازی. تهران: سمت، چاپ هشتم.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). *نامه باستان* (ج ۳). پیرایش میرجلال‌الدین کزازی. تهران: سمت، چاپ هفتم.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). *نامه باستان* (ج ۵). پیرایش میرجلال‌الدین کزازی. تهران: سمت، چاپ سوم.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). *نامه باستان* (ج ۶). پیرایش میرجلال‌الدین کزازی. تهران: سمت.

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۲). *رویا، حماسه، اسطوره*. تهران: مرکز. کندوله‌ای، الماسخان. (۱۳۸۹). *شاهنامه کُردی، جمع‌آوری و بازنویسی محمدرشید امینی*. سلیمانیه: بنکه‌ی ژین.

گورانی، مصطفی بن محمود. (۱۳۸۳). *شاهنامه کُردی*. پیشگفتار، تصحیح، توضیح و واژه‌نامه ایرج بهرامی. تهران: هیرمند.

معین، محمد. (۱۳۷۸). *فرهنگ معین*. تهران: امیر کبیر، چاپ سیزدهم.

پایگاه اینترنتی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، www.Irandoc.ac.ir
-Mackenzie, D.N. (1966). *The Dialect of Awroman (Hawraman-I Luhon)*. Kobenhavn.